

## حسین درگامی

### رساله معتقدات شهید اول

از سنت‌های سنی‌های که بین علماء شیعه رواج داشته ، عرضه کردن معتقدات خود بر سایرین بوده است ، قصد اصلی آنها از این عمل در وحله اول آن بوده که صاحبان نظر از معتقدات آنان آگاهی یافته و در صورت اطلاع از کژی‌ها و کاستی‌ها ، آنان را از آنها مطلع سازند ، به این ترتیب نیت اصلی واولی آنان ، تصحیح اعتقادات وپا تثبیت آن بوده است ، اصل وپیش‌ه این عمل را ، پیروان مدرس‌ها اهل بیت - علیه السلام - از ائمه معصوم خود ، آموخته‌اند ، در زیارات وارده از ناحیه مقدسه آنان - صلوات الله علیهم اجمعین - فرازهایی می‌توان یافت که زائر ، بر ولی معصومی که قصد زیارت وی دارد ، معتقدات خود را عرضه کرده و وی را شاهد بر خود در مورد داشتن آن اعتقادات حقه می‌گیرد ، تا این شهادت او را به‌روز سؤال و جزا بکار آید .

البته پرواضح است که عرضه معتقدات از قبل عالمی و باهر نیتی ، جاهلان و مبتدیان را بسیار بکار می‌آید ، و چنین است که در فهرست آثار بزرگانی چون شیخ صدوق ، خواجه نصیرالدین طوسی ، شهید اول ، فیض کاشانی ، شیخ بهائی و علامه مجلسی - رضوان الله تعالی علیهم - به رساله‌هایی با محتوی اصول دین یا اعتقادات برخورد می‌کنیم .

رساله‌ای که در ذیل عرضه می‌شود ، رساله معتقدات شیخ محمد بن مکی ( شهید اول ) است ، که بر ارزش آن جلالت مقام نویسنده‌اش دلیل است . این رساله در مجموعه ۲۵۲۵ ، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است . و مرا از وجود آن ، علامه محقق جناب آقای سید عبدالعزیز طباطبائی - دامت برکاته - مطلع فرمودند ، که بدینوسیله سپاس خود را از ایشان ابراز می‌دارم .

## مختصری در شرح زندگی شهید اول<sup>۱</sup>

شهید اول ، شیخ اجل افقه ، ابو عبد الله محمد بن جمال الدین مکی بن شمس الدین محمد دمشقی العالمی الجزینی ، رئیس مذهب و ملت ، در سال ۷۲۴ متولد شده و در اوائل جوانی بر شاگردان علامه حلی ، شاگردی کرده است ، فخرالمحققین در سال ۷۵۱ و سید عمید الدین در کربلا و ابن نما یکسال بعد از آن تاریخ و همچنین ابن معیه یکسال بعد از ابن نما و شمس الاثمه کرمانی شافعی بعد از ابن معیه به او اجازه روایت داده اند .

اگر کسی در اجازات علماء - با همه کثرت و تشتت - تأمل کند ، می یابد که اکثر آنها و بلکه همه آنها به این شیخ معظم ، منتهی می شود . ایشان در اجازه خود به ابن خازن می گویند ؛ و اما مصنفات عامه و مرویات آنها ، پس بدرستی که من از حدود چهل شیخ ، از علمای آنها ، در مکه و مدینه و دارالسلام بغداد و مصر و دمشق و بیت المقدس و مقام ابراهیم خلیل ، روایت می کنم .

و اگر کسی در مدت عمر شریف او که ۵۲ بوده و مسافرت های او به آن بلاد و تصانیف نیکو و پر آب او در رشته های مختلف اسلامی و نظریات دقیق و تبحر او در رشته های مختلف ادبیات عرب - که از آثار او پیداست - توجه کند ، می داند که او از جمله کسانیست که خدای متعال او را برای تربیت و تکمیل بندگانش اختیار کرده است ، و این در حالیست که هر چه درباره او گفته شود ، دون مقام و مرتبه اوست .

شهادت او در روز پنجشنبه نهم جمادی الاولی سال ۷۸۶ بود ، در دمشق ، در دولت بیدمر و سلطنت برقوق ، به فتوای قاضی برهان الدین مالکی و عباد بن جماعت شافعی بعد از یکسال حبس در قلعه شام . ابتدا با شمشیر کشته ، سپس بدار آویخته ، سپس سنگسار گشته و پس از آن به آتش

۱ - ترجمه و تلخیص از هدیه الاحباب حاج شیخ عباس قمی -

سوزانیده شد ، حکایت می‌کنند که او در ایام حبسش ، لمعه دمشقیه را در یک هفته تألیف کرد در حالی که از کتب فقهی فقط المختصرالنافع را به همراه داشت - قدس الله روحه - همسر و فرزندان وی همه از فضلاء و فقها بوده‌اند - رضوان الله تعالی علیهم .



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

هذه معتقدات شيخنا الشهيد محمد بن مكي - رحمه الله .

بسم الله الرحمن الرحيم ، اشهدكم معاشر المؤمنيين ، اني اشهد  
 ان لا اله الا الله ، وحده لا شريك له ، الهيا " واحدا " احدا " فردا " صمدا "  
 حيا " قيوما " ، لم يتخذ صاحبه ولا ولدا " ، وان محمدا " عبده ورسوله ،  
 خاتم الانبياء و افضل رسله ، وان خليفته علي امته ، اخوه وابن عمه  
 اميرالمؤمنين ابوالحسن علي بن ابي طالب عليه افضل الصلوات واكمل التحيات  
 وعلى ذريته الطاهرين ، ثم الحسن والحسين ، ثم علي ، ثم محمد ، ثم جعفر .  
 ثم موسى ، ثم علي ، ثم محمد ، ثم علي ، ثم الحسن ، ثم الخلفاء الحجة القائم  
 المهدي - عجل الله فرجه .

واستدل علي وجود الله ، بحدوث ما سواه ، و علي الحدوث ،  
 بالتغير والزوال .

واستدل علي قدمه ، بوجوب وجوده ، و علي وجوب وجوده ،  
 بانتفاء الحوادث اليه .

واستدل علي وجوب وجوده ، بامكان ما سواه . واستدل علي بقاءه  
 وابديته ، بوجوب وجوده .

واستدل علي قدرته ، بوقوع الفعل منه علي سبيل الجواز .

واستدل علي علمه باحكام افعاله واتقانها .

واستدل علي عموم قدرته و علمه بتساوي نسبه الجميع اليه . ولا

يتخصص البعض دون بعض .

واستدل علي كونه سميعا " بصيرا " ، بعموم علمه بها .

واستدل علي كلامه ، بالقرآن العزيز لقوله تعالى " حتى يسمع

كلام الله " .

واستدل علي وحدته ، باستقامه العالم وقوله " قل هو الله احد " .

واستدل علي غنائه عن غيره ، بذاته و صفاته بكونه واجب الوجود ،

واستدل علي كونه ليس بجسم ولا جوهر ولا عرض ولا متحيز ولا حال

في المتحيز ولا مركب ولا جزئي ولا موصوف بالمعاني ولا الحادثة ، بكونه قديما

واجب الوجود .

واستدل على عدله و حكمته ، بأنه تعالى لا يفعل قبيحا " ولا يخل  
بواجب - تعالى الله عن ذلك علواً كبيراً " ، و يكونه غنياً " .  
واستدل على نبوه نبينا محمد ( صلى الله عليه وآله ) بأدعائه النبوه  
وصدقه بالعجز الطاهر ، على يده ، مثل : أنشقاق القمر و ينبوع الماء من بين  
اصابعه و حنين الجزع اليابس و شكوى الضبي .  
واستدل على عصمته ، بوثوقه امره و ذهبه .  
واستدل على كونه خاتم الانبياء ، بقوله تعالى " ما كان محمد أباً أحد  
من رجالكم و لكن رسول الله و خاتم النبيين " .  
وَأَسْتَدِلُّ عَلَى أَمَامِهِ عَلِيٌّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَأُحَدِّثُ عَشْرَ أَمَامَاتٍ " من اولاده ،  
خلفاء " عن سلفِ عليهم السلام سبالعصمه المشترطه في الامامه ، حذراً "   
عن الدور و التسلسل ، لو كان الامام غير معصوم ، و بقوله تعالى " يا ايها الذين  
آمنوا اتقوا الله و كونوا مع الصادقين " ، و بقول النبي ( صلى الله عليه وآله )  
لولده الحسين ( عليه السلام ) : " هذا الامام ابن الامام ، اخو الامام ، ابواثمه  
تسعه ، تاسعهم قائمهم ، افضلهم اعلمهم " .  
واستدل على بقاء المهدي ( عليه السلام ) بتواتر الاخبار و امتناع  
الاخلاق باللفظ الواجب على الله تعالى ، انساني و مطالبات فريضي  
واستدل على المعاد و السئوال و القبر و الجنه و النار و الصراط و الميزان  
بشبهه صدق المخبر به و هو النبي المعصوم .  
وَأَعْتَقِدُ جَمِيعَ مَا جَاءَ بِهِ النَّبِيُّ ( صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ) ، مِنْ نُبُوهِ الْأَنْبِيَاءِ  
السَّالِفَةِ - عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَتَكْلِيفِ الْمَكَّافِينَ وَمِنَ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ وَالْجَنَّةِ وَالنَّارِ  
وَمَا وَعَدَ اللَّهُ فِيهَا مِنَ الثَّوَابِ وَالْعِقَابِ وَالْمَطْعَمِ وَالْمَشْرَبِ وَالنِّكَاحِ حَقًّا وَصَدَقَ .  
هذا اعتقادي و عليه احبي و عليه اموت و ابعث انشاءً تعالى .  
وصنفه معتقده محمد ابن مكي . و هو يشهد ان معتقده و العامل به  
ناج من عذاب النار ، فايز برضاء الجبار ، اذا وافى عليه ، الى نزول الحافره  
و اول ايام الآخرة . و الحمد لله حمداً شاكرين .



شپښگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي  
پرتال جامع علوم انساني